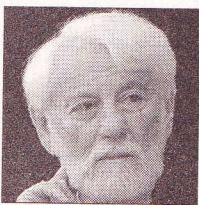


# شمیشیم محمد در پاسخ به اظهارات پاپ علیه اسلام

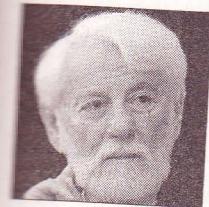


نویسنده: یوری آونری  
برگردان: عبدالعلی بازرگان

از پیدایش اسلام جریان‌هایی بوده‌اند که اسلام را دین خشونت می‌نامیدند. این مقوله بیویزه در سال‌های اخیر که منطق اسلام و مسلمانی ظهور بیشتری پیدا کرده و داوطلبان زیادی را جذب کرده شکل حادتری یافته است. از جمله تلاعه پاپ بندیکت رهبر کاتولیک‌های جهان در زمان بوش پسر است که اسلام را دین خشونت و غیرعقلانی خوانده است. یوری آونری (Uri Avnery) یهودی آلمانی‌الاصلی است که در جنگ‌های چربی‌اشغال فلسطین و همچنین در جنگ شش روزه در سال ۶۷ شرکت داشته و مجرح شیخ شده است. وی چند بار نماینده پارلمان اسرائیل شده، ولی هم‌اکنون از فعالان صلح و اولین کسی است که برخلاف میل دولتمردان اسرائیل، با عرفات ملاقات کرده است. این نویسنده، حقوق و فعالیت در پاسخ پاپ نامه‌ای باعنوان «شمیشیم محمد» نوشته که مهندس عبدالعلی بازرگان آن را به فارسی برگردانده است که دقت در آن را به خوانندگان عزیز توصیه می‌کنیم. اهمیت این نامه در این است که از سال ۱۳۴۲ به بعد واتیکان به منظور اتحاد مسیحیان و یهودیان بیانیه‌ای منتشر کرد که یهودیان حضرت مسیح را نکشته‌اند. هرچند این بیان گامی بود برای آنچه در قرآن ذکر شده، ولی منظور آن سیاسی بود. باید توجه کرد با رشد و گسترش منطق اسلام و مسلمانی دام‌هایی برای مسلمان‌ها یعنی گردنه‌اند. به این منظور که با توھین به اسلام و بازرگان اسلام، مسلمانان را خشمگین کنند و در واکنش، مسلمان‌ها به دام اقدام‌های خشونت‌آفرین سبقتد تا آنها اسلام را دین خشونت معرفی کنند. یهودیان واکنش، توجه به همین رشد موزون و گسترش طبیعی است، از این‌رو نباید به داعن یعنی شده آنها افتد.

دوست و شصت و پنجمین پاپ در سخنرانی خود را جلوی شیرها می‌افکندند، مناسبات میان امپراتورها و رهبران کلیسا دستخوش تغییرات بسیاری شده است. کنس坦تنی بزرگ که در سال ۳۰۶ میلادی، یعنی ۱۷ قرن پیش به مقام امپراتوری رسید، مسیحیت را در امپراتوری خویش، که شامل فلسطین نیز می‌شد، عملاً رسمیت داد. قرن‌ها بعد کلیسا به دو بخش شرقی (ارتودوکس) و غربی (کاتولیک) منشعب شد. اسقف روم که عنوان «پاپ» را به دست آورده بود، در خواست کرد امپراتور، برتری و تفوق او را پذیرد. نزاع میان امپراتوران و پاپ‌ها نقش محرکی در تاریخ اروپا داشته و موجب تجزیه و تفرق ملت‌ها شده است. البته این جریان فراز و نشیب‌های متعددی داشته است، گاهی امپراتوران پاپ‌ها را نادیده می‌گرفتند و بر کنار می‌داشتند و گاهی عکس!

هنری چهارم، یکی از امپراتوران، پای پیاده به کنیسه رفت و سه روز تمام بدون کفش روی برف‌های مقابل کاخ پاپ ایستاد تا سرانجام پاپ حکم تکفیر او را الغو کرد! اما روزهایی نیز بود که امپراتوران و پاپ‌ها با صلح و صفا در کنار هم می‌زیستند، و ما امروز شاهد چنین تفاهمی هستیم. پاپ امروز (بندیکت) و امپراتور امروز (بوش)، نمونه‌ای عالی از این هماهنگی هستند که توفانی جهانی از جنگ‌صلیبی بوش را علیه «اسلام بنیاد گرای» در زمینه «جنگ بین تمدن‌ها» (War of Civilization) بپاکرده است. اینک



ویسنده: یوری آونری  
بردان: عبد‌العلی بازرگان

نق اسلام و مسلمانی ظهور  
کهای جهان در زمان بوش  
ت که در جنگ‌های چریکی  
ده پارلمان اسراییل شده  
ین نویسنده، محقق و فعال  
است که دقت در آن را به  
سیجیان و یهودیان بینایه‌ای  
منظور آن سیاسی بود.

با توهین به اسلام و بزرگان  
دین خشونت معرفی کنند.

پنجمین پاپ در سخنرانی خود  
کاهه‌ای آلمان، اختلاف فاحشی  
بیت و اسلام دیده اینچنین بیان  
دیم آن را انکار می‌کند. به این معنا  
عمل خداوند معقول بودن را باور  
که مسلمانان به چنین اصلی معتقد

یک یهودی معتقد به جدایی دین  
خواهم در چنین منازعه وجودی  
دارم وارد شوم، اما به عنوان یک  
اصطلاح) جنگ تمدن هازندگی  
من مسئله بی تفاوت بگذرم. پاپ  
عقلاتی در اسلام، مدعی می‌شود  
به نیروی شمشیر فرمان داده است.  
زیرا ایمان از روح پدیده می‌آید نه از  
اتسخیر کند؟ پاپ برای اثبات این  
امپراتورهای دوره بیزانس، «مانوئل  
بوط به دوران رقابت کلیسا ای شرقی  
بوحه مجادله با یک داشتمند مسلمان  
یا یک چیز تازه‌ای که محمد آورده

چگونه کسی می‌تواند چنین سخن صریح و بدون ابهامی را نادیده بگیرد؟ پاپ به سادگی اظهار می‌دارد این فرمان مربوط به دوران ضعف و ناتوانی پیامبر (در مکه) بوده و بعدها (در دوران هجرت به مدینه) که به قدرت رسید، پیروان خود را برای استفاده از شمشیر در خدمت ایمان فرمان داده است، اما چنین فرمانی در قرآن هرگز دیده نمی‌شود.

حضرت عیسی گفته است: «شما آنها از میوه‌های شناسی خواهید داد». مناسبات مذاهب دیگر با اسلام را آزمایش ساده‌ای می‌توان مرد ارزیابی قرارداد: «چگونه فرمانتویان مسلمان در مدت بیش از هزار سال که قدرت گسترش ایمان از طریق شمشیر را داشتند عمل کردند؟» آری آنها هرگز چنین نکردند! برای قرن‌ها مسلمانان بر یونان سلط بوتد، آیا یونانیان مسلمان شدند؟ آیا هرگز کسی تلاش کرد آنان را مسلمان کند؟ نه تنها چنین نبود، بلکه مسیحیان یونانی در دوران حکومت عثمانی عالی ترین مقامات اداری را داشتند. بلغارها، صرب‌ها، رومانی‌ها، مجارها و بقیه ملت‌های اروپایی هم‌مان یا متابوب تحت سلطه دولت عثمانی بودند. با این حال به اعتقادات مسیحی خویش سخت چسییده بودند، هیچ کس آنها را به مسلمان شدن مجبور نمی‌کرد و همه آنها مومن به مسیحیت باقی ماندند. درست است، مردم آلبانی و بوسنیایی‌ها به اسلام روی آوردند، اما هیچ کس ادعانکرده آنها تحت فشار تغییر مذهب دادند. آنها اسلام را پذیرفتند تا مورد توجه حکومت قرار گرفته و از مزایای آن بهره‌مند شوند. در سال ۱۰۹۹ میلادی صلیبیون مسیحی، اورشلیم را تصرف کردند و ساکنان مسلمان و یهودی آن را بدون استثناء قتل عام کردند، آن‌هم به نام مسیح مهربان! در ۴۰۰ سالی که فلسطین در اشغال

مسلمانان بود مسیحیان همچنان اکثریت جمعیت آن دیار را تشکیل می‌دادند. در طول این مدت، هیچ تلاشی برای مجبور کردن آنان به اسلام اعمال نشد. تنها پس از بیرون راندن صلیبیون از فلسطین بود که اکثریت شهر و ندان شروع به پذیرش زبان عربی و ایمان اسلامی کردند. اینها اجاد بیشتر فلسطینی‌های امروز هستند.

هیچ مدرک و سندی، به هر شکل وجود ندارد که هرگز فشاری به یهودیان برای مسلمان شدن به کار رفته باشد. آنچنان که به خوبی آشکار است، در زمان حکمرانی مسلمانان، یهودیان اسپانیا از چنان شکوفایی برخوردار بودند که چنان لذت شکوفایی را در هیچ نقطه عالم، تقریباً تا دوران اخیر، در تاریخ خود نداشتند؛ شاعرانی نظری یهودا هالوی (Yehuda Halevy) که به زبان عربی می‌نوشت، همچنین «ابن میمونه» (Maimonides) فیلسوف بزرگی (Rabbi) در اسپانیای اسلامی، یهودی در اسپانیای اسلامی، یهودیان به وزارت می‌رسیدند و شعراء و داشتمانی عرضه می‌داشتند. در شهر اسلامی تولیدو (Toledo)، اساتید مسیحی، یهودی و مسلمان در کنار

**هر یهودی صادق و آزاده‌ای**  
که تاریخ ملت خود را بداند، جز احساسی عمیق از قدردانی و سیاسی به اسلام نمی‌تواند داشته باشد، چرا که اسلام، یهودیان را در ۵۰ نسل محافظت کرده است. آن هم در شرایطی که دنیا مسیحیت آنها را بارها مورد آزار و اذیت قرار داده تا بزور شمشیر دست از دین خود بردارند!

باشد، شما جز مطالب شیطانی و غیرانسانی در آنجه او آوردنمی‌یابید. مثلاً همین فرمانی که برای توسعه آینش باشمیر به پیروان خود داد. این کلمات سه پرسش را در ذهن خواننده به وجود می‌آورد:

- ۱- چرا امپراتور این سخنان را گفته است؟
- ۲- آیا اینها صحیح است؟
- ۳- چرا پاپ فعلی به آن استناد می‌کند؟

۱- چرا مانوئل دوم این سخنان را گفته است؟  
مانوئل دوم هنگام نوشتن این شرح، فرمانروای یک امپراتوری در حال انفراض بود. او در سال ۱۳۹۱ میلادی به قدرت رسید، زمانی که تنها چند ایالت از آن امپراتوری در خشیان روم باستان باقی مانده بود و بقیه در تسلط ترک‌ها قرار گرفته بود. در آن مقطع زمانی، ترکان (مسلمان) عثمانی به سواحل «دانوب» رسیده، بلغارستان و نواحی شمالی یونان را فتح کرده و دو بار ارتشد روبه نابودی امپراتور را، که برای نجات نواحی شرقی امپراتوری از عزم شده بود، شکست داده بودند. در ۲۹ ماه می سال ۱۴۵۳ میلادی فقط چند سال پس از مرگ مانوئل، «کنستانتینوپل» (استانبول فعلی) پایتخت امپراتوری به دست ترک‌ها افتاد و نظامی که بیش از هزار سال فرمانروایی داشت منقرض شد. مانوئل در دوران حکمرانی خویش برای جلب حمایت همه پایتخت‌های اروپایی تلاش فراوان کرد، او قول متعدد کردند که کلیسا را داد. کوچکترین تردیدی نیست که قصد او از ایراد این سخنان تحریک کشورهای مسیحی علیه ترک‌ها و یکپارچه کردن آنها برای یک جنگ مذهبی جدید بود. سخن اونه نظریه‌ای اعتقادی، بلکه عملی بود دین را در خدمت سیاست قرار می‌داد. به راحتی می‌توان

تشخیص داد که اظهارات پاپ چگونه و با چه دقیق در خدمت اهداف سیاسی امپراتور جورج بوش دوم که می‌خواهد دنیای مسیحیت را علیه مسلمانانی که آنها «محور شرارت» می‌نامد قرار دهد، در آمدده است. علاوه بر آن همان طور که می‌دانیم، ترک‌ها مجدداً، اما این‌باره صورت صلح آمیز، برای پیوستن به جامعه اروپایی در تلاش و تکاپو افتاده‌اند. این موضوع به خوبی آشکار است که پاپ با سخنان خود از جریانی که در برای تقاضای پیوستن ترک به جامعه اروپایی موضوع کیری می‌کند، حمایت کرده است.

۲- آیا نشانه‌ای از حقیقت در مجادله مانوئل وجود دارد؟  
پاپ نیز مسئول و گرفتار این سخن است. او به عنوان یک روحانی (Theologian) جدی و شناخته شده، حق تحریف یک متن (دينی) را ندارد. او بته اعتراف می‌کند که قرآن مسلمانان را از گسترش ایمان توسط زور نهی کرده است، و به آیه ۲۵۷ سوره بقره استناد می‌کند که می‌گوید: هیچ فشاری در پذیرش دین نیست (لا اکراه فی الدین).





دست از دین خود بردارند!

«ماجرای پیش روی اسلام باشمیر» یک برچسب شیطانی است. این یکی از افسانه های دروغی است که در طول دوران جنگ علیه مسیحیان برای باز پس گیری اسپانیا در اروپا ساخته و پرداخته شده بود، صلیبیون و تنفر آنها نسبت به مسلمانان ترک - که در آستانه تصرف شهر «وین» (پایتخت اتریش) بودند - در پیدایش این مسئله دخالت داشته است.

من شک دارم «پاپ» آلمانی الاصل نیز وجدان اعتقداد به چنین داستان دروغینی داشته باشد. مفهوم آن این است که رهبر کاتولیک های جهان که یک عالم الهی - مسیحی است تلاش لازم برای مطالعه تاریخ دیگر مذاهب را نکرده است.

۳- چرا وابین کلمات را به صورت عمومی بیان داشته و چرا حالا؟

با توجه به زمینه جنگ مذهبی جدید بوش و حامیان او انجلیست او باشعار «اسلام فاشیست» و «جنگ واحد علیه تروریسم»، بخصوص در شرایطی که «تروریسم» نفعه ضعفی برای مسلمانان محسوب شده، هیچ راه گریزی برای این تصور ذهنی که سخن پاپ بی ارتباط با این مسائل نیست وجود ندارد. برای کارگزاران بوش همین اولین بار در تاریخ نیست که یک

سرپوش مذهبی روی منافع اقتصادی گذاشته می شود و در شرایطی که یک لشگر کشی چاولگرانه یک جنگ مذهبی می شود

منابع نفتی کفایت می کند. این اولین بار در تاریخ نیست که یک سرپوش اتهام (تروریسم) برای منطقی جلوه دادن اشغال

منابع نفتی کفایت می کند. این اولین بار در تاریخ نیست که یک سرپوش مذهبی روی منافع اقتصادی گذاشته می شود و همچنین اولین بار نیست که یک لشگر کشی چاولگرانه، یک جنگ مذهبی می شود.

سخنان پاپ با چنین تلاشی آمیخته می گردد، چه کسی می تواند تایع

و خیم و شوم آن را پیش بینی کند؟

### باتوجه به زمینه جنگ

مذهبی جدید بوش و حامیان او انجلیست او باشعار «اسلام فاشیست» و «جنگ واحد علیه تروریسم»، بخصوص

در شرایطی که «تروریسم» نقطه ضعفی برای مسلمانان

محسوب شده، هیچ راه گریزی

برای این تصور ذهنی که سخن پاپ بی ارتباط با این مسائل نیست

وجود ندارد. برای کارگزاران

بوش همین اتهام (تروریسم)

برای منطقی جلوه دادن اشغال

منابع نفتی کفایت می کند. این اولین بار در تاریخ نیست که یک سرپوش

سرپوش مذهبی روی منافع اقتصادی گذاشته می شود و همچنین اولین بار نیست که یک لشگر کشی چاولگرانه، یک جنگ مذهبی می شود.

سخنان پاپ با چنین تلاشی آمیخته می گردد، چه کسی می تواند تایع

و خیم و شوم آن را پیش بینی کند؟

هم کار کرده و متون فلسفی و علمی یونان باستان را ترجمه می کردند، به راستی دورانی طلایی بود.

چگونه چنین امری می تواند حقیقت داشته باشد که پیامبر اسلام پیروانش را به شمشیر برای توسعه

اسلام فرمان داده باشد؟ آنچه پس از آن اتفاق افتاد گفتی تراست، زمانی که کاتولیک ها بار دیگر

اسپانیا را از مسلمانان باز پس گرفتند، بک حکومت مذهبی ترور تأسیس کردند. یهودیان و مسلمانان

در انتخاب یکی از این دو گزینه قرار گرفتند که یا مسیحی شوند و یا آن که شهر را تحملی کنند! و در

غیر این صورت کشته می شوند اصداح ها زار یهودی رانده شده کجای تو استند بگیریزند؟ تقریباً تمام آنها در آغوش باز کشورهای اسلامی پذیرفته

شدند. یهودیان اسپانیا در جهان اسلام، از مراکش تاغرب گرفته تا عراق در شرق، از بلغارستان (که

در آن زمان بخشی از امپراتوری عثمانی بود) در شمال گرفته تا سودان در جنوب ساکن شدند. آنها

مالیات مخصوص (جزیه) می پرداختند، اما از رفتن به سریازی و جنگ معاف بودند. این یک معامله

و توافقی بود که خوشایند و مورد استقبال بیشتر یهودیان بود.

این مطلب نیز گفته شده که حکمرانان مسلمان به تغییر مذهب یهودیان و مسلمان شدن آنان روى

خوشی نشان نمی دادند، حتی اگر این امر با رغبت و اصرار انجام می شد، زیرا این امر موجب کاهش درآمد دولت (از تاجیه

جزیه) می شد. هر یهودی صادق آزاده ای که تاریخ ملت خود را بداند، جز

احساسی عمیق از قدردانی و سپاس به اسلام نمی تواند داشته باشد، چرا که

اسلام، یهودیان را در ۵۰ نسل محافظت کرده است. آن هم در شرایطی که

دنیای مسیحیت آنها را بارها مورد آزار و اذیت قرار داده تا بوزور شمشیر

## پوزش از خوانندگان نشریه

همان طور که به یاد دارید آبان ماه سال ۱۳۹۰ نشریه با یک حکم غیابی از شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب مواجه شد که وقت این جانب و کار کنان نشریه را به خود مشغول کرد، تا این که پرونده از دادگاه انقلاب به دادگاه کیفری استان منتقل و در نهایت با حضور هیئت منصفه مطبوعات محاکمه و به جریمه نقدی نیم میلیون تومانی محکوم شدیم؛ به همین دلیل نتوانستیم دوماهنامه شهریور و مهر را در زمان مقرر خود منتشر کنیم. از این رواز خوانندگان نشریه پوزش طلبیده و در تلاش برای جبران هستیم. مقامات محترم وزارت ارشاد نیز در جریان این تأخیر قرار دارند.

لطف الله میشمی